نشریه مکتب احیاء، ۳ (۹)، ۵-۷/ زمستان ۱۴۰۴
10.22034/3.9.5

سرمقاله

مطالعات انتقادی در پژوهش کاربردی

مقدمه

به دنبال درخواست سازمان بهسازی، نوسازی و زیباسازی اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (س)، گروه تحقیقاتی پژوهشکده نظر مرکب از ۴ نفر پژوهشگر ارشد و ۴ نفر همکار پژوهش از دی ماه ۱۴۰۲ تا آذر ماه ۱۴۰۴ در حوزه مسئله‌شناسی «سیاست‌های ارتقای کیفی منظر شهری قم» با رویکرد راهبردی مشغول فعالیت شدند. سیاست سازمان بهسازی، نوسازی و زیباسازی اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (س) در استفاده از ظرفیت علمی کشور برای مسئله‌شناسی در مقیاس راهبردی، اقدامی رایج در میان شهرداری‌ها به حساب نمی‌آید. بررسی قانون و عرف مدیریت شهری نشان می‌دهد گویی دستگاه‌های مختلف شهرداری به بازوانی می‌مانند که برای «انجام» کار آفریده شده‌اند و مسئولیت «اندیشه و تفکر» در خارج از آن قرار دارد.رویکرد جلب مشارکت مجموعه‌های علمی خارج از شهرداری برای بازخوانی مسائل شهر و شهرداری از سوی سازمان بهسازی، نوسازی و زیباسازی اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (س)، مقدمه خوبی شد تا علاوه بر تأکید بر مهمترین مسئله شهر قم، مدیریت شهری فرصت تازه‌ای بدست آورد که ارزیابی رویه‌های جاری خود را نه از زبان پیمانکاران (و مشاوران) یا کارکنان خود، که از منظر مجموعه‌ای حرفه‌ای، علمی و آشنا به مسئله‌های شهری بشنود. این اقدام اگر استمرار یابد، از مصادیق مشارکت شهروندان در اداره شهر شمرده می‌شود که فارغ از عوام‌زدگی (پوپولیسم) و حرکات نمایشی است. ورود متخصصان مستقل به عرصه سیاستگذاری شهری از طریق مسئله‌شناسی، از کارآمدترین مصادیق مشارکت شهروندان در مدیریت شهر شمرده می‌شود. این کار در قم، داوطلبانه و با خواست ابتدایی سازمان بهسازی، نوسازی و زیباسازی اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (س)، محقق شد. در پاسخ به خواست مسئله‌شناسی مدیریت شهری قم، پیشنهاد گروه تحقیقاتی پژوهشکده نظر، خوانش جدید از مسئله‌های اصلی شهر قم در فرآیند توسعه آن بود. برای این کار میان انواع زمینه‌های قابل مطالعه، انتخاب گروه، محوری بود که نقش مهمتری در ادراک شهروندان و ارزیابی آنها از شهر خود داشت. این محور به زبان علمی روز، منظر شهری قم خوانده می‌شود. طبعاً در این دیدگاه منظر شهری با سیمای شهر که صورت و شکل کالبد و فیزیک شهر است متفاوت می‌باشد. اهمیت ادراک شهروندان از شهر، به دلیل نقش آن در رضایتمندی از مکان زندگی و زمینه‌سازی مشارکت شهروندان در مدیریت شهر است. هر چه امکان درک منسجم و متصل از شهر بیشتر فراهم شود، شهر برای شهروندان ملموس‌تر، هویت‌مندتر و در نتیجه مقبول‌تر است. شهر به مثابه مکان، برآمده از کالبد و زندگی تاریخی، ظرفی است که با محتوای خود تناسب دارد. محتوای شهر، زندگی و فعالیت شهروندان است که رضایت از آن با فهم آنان نسبت به شهر رابطه مستقیم دارد. در نتیجه ادراک شهر، پدیده‌ای رمانتیک و احساسی به شمار نمی‌آید و وجه کارکردی آن غلبه می‌کند. ادراک شهر به واسطه صورت شهر برای شهروندان رخ می‌دهد. از این رو مفهوم ادراک، متناظر منظر شهر خوانده می‌شود. وجه دیگر پیشنهاد گروه، بررسی نسبت منظر شهر با مقوله هویت شهر قم بود. هویت در زبان فلسفی، تداوم ماهیت شیء در طول زمان و از آن مستقل است. ماهیت شهر، چیستی و مجموعه صفات شهر است که تحت اثر جهان‌بینی، عقاید و رفتار شهروندان، شهر را می‌سازد. طبعاً ماهیت شهر، مقوله‌ای ارزشی و در نسبت با تفکر و دیدگاه شهروندان است. تداوم ماهیت در طول زمان، کیستی را می‌سازد. کیستی، هویت تاریخی و زمانمند ماهیت است. لذا در محتوای هویت، مدت زمان و دوره اتصال صفات پدیده مد نظر اهمیت می‌یابد و ارتباطی با وجوه ارزشی آن ندارد. لذا ماهیت، که به چیستی اشاره می‌کند، پدیده ارزشی و هویت که به تداوم تاریخی صفات (ماهیت) ارجاع می‌دهد، پدیده خنثی است. به غلط، در ادبیات مصطلح و عامیانه، هویت معادل حفظ ارزش‌های گذشته خوانده می‌شود. اگر شهر بت‌پرستان نیز در طول تاریخ خود صفات شرک‌آور را حفظ کند، شهر با هویت خوانده می‌شود، چرا که در پاسخ کیستی، به تاریخ و دوره بت‌پرستی اشاره می‌شود. با عنایت به دو مفهوم «منظر شهر» به مثاله ادراک شهروندان از شهر خود و «هویت» به معنای تداوم تاریخی صفات شهر، گروه پژوهشی پیشنهاد بررسی هویت منظر شهری قم را ارائه کرد. این امر از طریق پنج پژوهش مستقل انجام شد. چهار مقاله «مرکز چندبعدی، عامل پایداری شهر؛ ارزیابی تحولات مرکز قم در قوام هویت و کارکرد شهر»، «تبیین جایگاه فضای جمعی خیابان در بهبود و ارتقاء منظر شهری قم مطالعهٔ میان‌موردی گذر محلهٔ شاه حمزه، پیادهراه ارم و میدان سالاریه»، «هستهٔ امن محله محرک نوسازی بافت فرسودهٔ قم از منظر خاص‌بودگی آن» و «نما، نمایش قدرت (نمونهٔ مطالعه شده: نماهای بافت قدیمی شهر قم)» به‌عنوان سرفصل‌های منتخب و مقاله «بازاندیشی توسعه شهری در بافت‌های زیارتی با تأکید بر رویکرد مکان‌محور؛ تحلیل تحولات ساختار فضایی پیرامون حرم حضرت معصومه (س) در قم» برگرفته از پژوهش کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران، که به جهت قرابت موضوع به مجموعه حاضر افزوده شد، بعلاوه بیانیه حاضر که جمع‌بندی و نتیجه‌گیری معطوف به عمل است، محتوای مجله حاضر را تشکیل می‌دهد. در انجام پژوهش‌ها، مطالعه اسناد پشتیبان اعم از منابع علمی و مدارک فنی، مصاحبه با مدیران، متخصصان و مردم، مشاهده و تجربه فضا، ارائه دستاوردهای میان کار به جمع متخصصان و مدیران و دریافت بازخورد آنها و نهایتاً تنظیم مقاله علمی خوانش گروه تحقیق از هر یک از زمینه‌های فوق، مراحل اصلی کار بود. بیانیه حاضر که از ابتدا مسئولیت هماهنگ‌سازی گروه‌های تحقیق را به عهده داشت، جمع‌بندی مهمترین یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری نویافته‌ها برای راهبری مدیریت شهری و برنامه‌ریزان و مقدمه‌سازی قانون‌گذاری برای هدایت اسناد توسعه شهر را مورد نظر قرار دارد. بدین‌ترتیب می‌توان انتظار داشت که پژوهش نوین مطالعات شهری قم بتواند شکاف میان تحقیقات نظری و اقدامات عملی را تا حد ممکن در حوزه منظر شهری قم کمتر کند. روش انجام پژوهش مبتنی بر گفتمان انتقادی ذیل موضوع هر مقاله بود. برای این کار دو ۱ گزارش نسبتاً مستقل از سیر تحول تاریخی موضوع، و رویکرد مدیریت شهر در اداره امروز آن برای هر مقاله تنظیم شد. در ادامه با توجه به اهداف متصور در

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]
[DOI: 10.22034/3.9.5]

منظر شهری، با مفهوم علمی آن که در ابتدای متن تشریح شد، نخست تعارض‌های منطقی میان فرآیند تاریخی و برنامه‌های جدید مورد توجه قرار گرفت و پس از آن با اتکا به یافته‌های نوین علمی، اهداف عملیاتی برای هر حوزه مورد توجه قرار گرفت و روش‌های گذشته و جاری مدیریت شهری در قیاس با آنها مورد نقادی قرار گرفت.

جمع‌بندی یافته‌ها

مقاله «مرکز چندبعدی، عامل پایداری شهر»

با نگرش سیستمی و متکی به نظریه سازمان فضایی شهر ایرانی-اسلامی، تحولات و نقش مرکزشهر قم در فرآیند تأسیس و رشد شهر به مثابه یک سیستم در دوره‌های مختلف را بررسی کرده است. نخستین یافته آن، پیوستگی قواعد حاکم بر تحولات مرکز در همه دوران طولانی پیدایش و رشد شهر قم تا عهد معاصر است که حاکی از شکست قانونمندی جایگاه مرکز در سیستم شهر در دوره معاصر با مداخله متمرکز طرح‌های توسعه شهری و از جمله طرح جامع است. مؤلفه‌های اصلی قانونمندی حاکم بر مرکز را نظام دسترسی، نظام اجتماعی و نظام فعالیتی آن در ارتباط با کلیت شهر تشکیل می‌دهد. نظام‌های مذکور، عامل اصلی حفظ یکپارچگی و وحدت فضایی شهر در منظر و فهم شهروندان بوده‌اند. در مقابل، نظام‌های مذکور در دوره معاصر با از دست‌رفتن ضرورت یکپارچگی شهر در طرح‌های جامع و فروپاشی مفهوم سازمان فضایی تاریخی شهر قم در نگاه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران، به سادگی فراموش شدند. نتیجه این تغییر، انهدام مرکز و شهر در شرایط امروز قم و بسنده‌کردن آن به مرکز تاریخی شهر بوده است. در فرآیند تضعیف جایگاه مرکز در سازمان شهر قم، به نقش مجموعه حرم نیز پرداخته شده که چگونگی رقابت آن با مرکز اجتماعی-فعالیتی-حرکتی شهر و تفکیک این دو از یکدیگر، علی‌رغم پیوستگی تاریخی آنها، به فروپاشی مفهوم مرکز در ذهن و ادراک شهروندان منتهی شده است. این تغییر به مثابه یک عامل اصلی و پراهمیت در فروپاشی هویت در منظر شهری قم شمرده می‌شود. زیرا شهر امروز قم در نظر شهروندان، فاقد مرکز اجتماعی-فعالیتی-دسترسی واحد است و آنچه در مرکز تاریخی باقی مانده آثاری از زندگی گذشته قم، آن هم با محوریت حرم است.

مقاله «تبیین جایگاه فضای جمعی خیابان در بهبود و ارتقای منظر شهری قم»

به بازخوانی نقش خیابان به مثابه فضای جمعی و مکان زندگی اجتماعی شهروندان می‌پردازد. این مقاله با تمرکز بر مفهوم فضای جمعی به‌عنوان شرط قوام اجتماعی و ساخت جامعه، به بررسی ظرفیت خیابان در ایجاد «مکان جمعی» به مثابه فضای اختصاصی تشکیل و تعامل اجتماعی در دو مسیر متفاوت می‌پردازد؛ نخست تجربه زندگی تاریخی خیابان در ایران و جهان به مثابه فضای جمعی را مورد بررسی قرار می‌دهد و درس‌هایی که از تاریخ می‌توان گرفت را تبیین می‌کند. دیگر، به وجه نظری ظرفیت خیابان به‌عنوان فضای جمعی برای برنامه‌ریزی و تشکیل اجتماعات محلی و شهری تمرکز می‌کند. دستاوردهای قابل توجه این مطالعه، تفکیک اقدامات مؤثر در ارتقای وجه اجتماعی خیابان به دو دسته اقدامات کالبدی و اقدامات برنامه‌ای است. نتیجه نهایی مقاله معطوف به روش اقدام است؛ این که چگونه مدیریت شهری می‌تواند مفهوم خیابان را از ساحت تک‌سطحی به مثابه مسیر و دسترسی، به عرصه چندبعدی به‌عنوان فضای زندگی اجتماعی بدل کند. برای این منظور اتخاذ رویکرد کل‌نگر و هستی‌شناسانه به مفهوم خیابان و کشف ظرفیت‌های آن برای ساخت و قوام جامعه ضروری است. خیابان در رویکرد این مقاله، مهمترین فضای شهری و به عبارتی تبلور کالبدی جوهر اجتماع و شرط پدیدآمدن آن است.

مقاله «هسته امن محله، محرک نوسازی بافت فرسوده قم»

با رویکردی همزمان و موازی، هم به مقوله ادراک شهروندان از شهر (منظر شهر) توجه می‌کند و هم به ضرورت نوسازی بافت فرسوده به‌عنوان یکی از مهمترین معضلات شهر قم. در این مسیر با بررسی شرایط بافت فرسوده تاریخی قم به وجه اختصاصی آن که علی‌رغم اضمحلال کالبد همچنان آثار زندگی شهری و اجتماعی اصیل در آن قابل مشاهده است، توجه می‌کند. همین ویژگی، راهبرد اساسی پژوهش گروه برای ارتقای منظر شهری قم از خلال فرآیند نوسازی بافت تاریخی آن را به وجود می‌آورد. لذا رویکرد مقاله، احیاء و تداوم زندگی تاریخی بافت‌های فرسوده شهری با رفع موانع تحقق آن و افزودن نیازهای روز به آن است. در این مسیر مهمترین مانع، ظهور ماشین و نیاز به آمد و رفت و پارک اتومبیل در بافت شهر تاریخی است که پژوهشگران با ارجاع به نظریه «هسته امن محله»، آن را راهبرد قابل اعمال در شهر قم اعلام کرده‌اند. به موجب این نظریه در صورت احداث هسته امن محله در مرکز هر یک از محلات تاریخی قم، ضمن رفع نیازهای روزآمد دسترسی سواره و آمد و شد خودرومحور، تمرکز نوینی بر مرکز محلات به‌عنوان شکل فضایی محله بمثابه واحد کالبدی-اجتماعی یکپارچه صورت می‌گیرد. در نتیجه همزمان با مشکل‌گشایی از زندگی روزآمد در کالبد تاریخی، زمینه ارتقای کیفیت محیطی از طریق تزریق فعالیت‌های نوین، متمرکز بر ساخت تاریخی و سازمان فضایی محله فراهم می‌آید. راهنمای عملی این مقاله برای مدیریت شهری، جایابی مراکز محلات برای استقرار هسته امن محله است که به جای ارجاع به مطالعات موازی، مستقیماً متکی به مرکز تاریخی محلات شناسایی می‌شود. اقدامات بصری توسعه‌ای مبتنی بر حفظ و تقویت سازمان فضایی محله از طریق برنامه‌های جدید مدیریت شهری انجام می‌شود.

مقاله «نما، نمایش قدرت»

مسئولیت سنگین برای رفع بدفهمی‌های رایج از مقوله نمای ساختمان‌ها و سیمای شهری را بر عهده گرفت. شباهت مفهوم سیما و منظر در ادبیات عامیانه چنان به حوزه فنی سرایت کرده که جز اندکی از مراجع تخصصی، تفاوت میان سیما و منظر را نمی‌شناسند.

این مقاله در مقدمه، کالبدی‌بودن سیما و ادراکی‌بودن منظر را ذکر و بیان کرده که سیما، بدون ناظر هم قابل دریافت است. اما منظر، تفسیر ناظر از صحنه روبروی اوست که نه تنها نزد هر ناظر معنای خاص خود را دارد، بلکه در زمان‌های مختلف برای یک ناظر خاص هم تغییر معنا می‌دهد.

شیوع جایگزینی مفهوم منظر با سیما در حدی است که بسیاری از شهرداری‌های بزرگ ایران، کمیته نما، مسئولیت راهبردی و تصویب نمای ساختمان‌ها را بر عهده گرفته است. فلسفه این کار را هویت شهر و لزوم حفاظت از ارزش‌های اعتقادی و تاریخی بیان می‌کنند. در حالی که قبلاً دانسته شد که هویت، مفهومی خنثی و به معنای تداوم یک معنای گذشته و تاریخی است فارغ از آن که محتوای آن چه باشد. لذا می‌توان از هویت مشرکانه، هویت اسلامی، هویت

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.5]

بودایی و سایر هویت‌های سرزمینی، دینی، تاریخی، قومی و امثال آنها سخت گفت بی‌آنکه هویت نامیدن آنها موجب ترجیحشان باشد. مقاله «نما، نمایش قدرت»، با عبور از اختلاط نادرست سیما و منظر به هدف غایی تحرکات مدیریت شهری برای اعمال کنترل هر فرآیند طراحی و ساخت نما پرداخته و با طرح مباحث تحلیلی و در پیش گرفتن گفتمان انتقادی نسبت به اسناد کنترل و هدایت نما و اتکاء به مصاحبه با مدیران و متخصصان، «قدرت» را هدف غایی تلاش‌های رایج برای احاطه بر چگونگی نمای ساختمان‌ها تشخیص داده است. در عین‌حال با ذکر تناقض‌های متعدد در نمای ساختمان‌هایی که در فرآیند اعمال نظر کمیته‌های نما ساخته شده‌اند شکست تمنای ظهور «قدرت» در مصادیق مورد نظر را نتیجه گرفته است. تبیین شش عامل مؤثر در آشفتگی سیمای شهری قم، دستاورد دیگر این پژوهش است که علی‌رغم عبور از مفهوم منظر و با فرض پذیرش مفهوم سیما، تبیین شده است. توجه‌های عملیاتی مقاله برای خاتمه‌دادن به روند نادرست جاری شهرداری، در اضرار به حقوق عامه از طریق محروم ساختن آنها از انتخاب نمای مورد نظر در مال مشروع خود، نه تنها به‌عنوان آورده زودرس پژوهش در حوزه اجرا مثمر ثمر، بلکه مقدمه بازگرداندن سیمای شهر و به دنبال آن منظر شهر به ریل اصلی خود به‌عنوان نتیجه و دستاورد زندگی طبیعی و متعارف مردم به جای صورت‌های دولت ساخته از شهر است.

مقاله «بازاندیشی توسعه شهری در بافت‌های زیارتی»

تعارض میان دو رویکرد توسعه در شهرهای زیارتی را مورد مطالعه قرار داده است. زیارتگاه‌ها در دوره تأسیس یا به دلیل مکان‌یابی در مکان‌های مرکزی شهرها و یا به دلیل جاذبه‌های پسینی و جلب خدمات و فعالیت‌های عمومی در غالب اوقات به‌عنوان مرکز شهر یا محله، نقش‌آفرینی می‌کردند. رونق زیارتگاه با رونق فعالیت‌های شهری پیرامون آن هم‌سو بود و مرکز شهر با ماهیت خدماتی-زیارتی شکل می‌گرفت. رشد فضاها و خدمات وابسته به هر کدام از دو قطب زیارتگاه یا شهر به تقویت مرکز شهر می‌انجامید. این رویه منجر به حس مشترک شهروندان نسبت به مرکز شهر خود در پیوند با زیارتگاه و به عبارت دیگر تشکیل منظر شهری با ماهیت مرکز مذهبی-خدماتی می‌گردید. این وضعیت تا دوران معاصر ادامه داشت. از این رو شهرهای زیارتی همواره شهرهای با هویت خطاب می‌شدند. زیرا فهم عموم و حرم از سازمان فضایی آنها، مشابه و وابسته به مرکز واحد متشکل از زیارتگاه و خدمات بود. این روند در شهر قم در دوره معاصر متوقف شد. دو سوی مدیریت زیارتگاه (حرم حضرت معصومه (س)) و مدیریت شهری، هر یک با انحصار فضا به خدمات وابسته خود در جهت واگرایی مرکز حرکت کرده‌اند. از آنجا که زیارتگاه امکان نقل مکان نداشت، نتیجه رویارویی فوق، جابجایی مرکز شهر قم از محل تاریخی آن شد. ادامه این روند دو دستاورد معارض با وحدت ادراکی شهروندان و زائران قم به همراه داشت:

- زائران، شهر قم را از زاویه حرم و فضاهای وابسته فعال آن درک میکردند که با واقعیت شهر تنافر داشت.
- شهروندان نیز با خروج مرکز از قلمرو حرم، پیوند ادراکی خود با ذهنیت تاریخی همشهریان قمی را از دست دادند.

مرکز شهر جدید قم نه در محل قبلی، که اصولا ماهیت خود به‌عنوان مرکز خدماتی-اجتماعی-دسترسی در شهر را از دست داد. یافته این مقاله در تشریح روند جدایی گزینی حرم و شهر تأکید بر راهبرد ناخواسته هویت‌زدایی از شهر قم با تخریب پیوند مکانی مرکز و زیارتگاه است. مدیریت شهری قم با درک این مسئله و تبیین آن برای سایر گروه‌های ذی‌نفع در سرنوشت شهر از جمله تولیت حرم، می‌تواند در راه احیای هویت منظرین شهر قم گام‌های اساسی بردارد.

نتیجه‌گیری

۱. ضعف هویت شهری قم و تقلیل آن به نمادهای تزئینی و نشانه‌ای مانع مهم حس رضایتمندی از شهر برای شهروندان است؛ ۲. در میان مسئله‌های شهر قم، آشفتگی ذهنی شهروندان در برابر ادراک واحد از شهر، نقش بسزایی در تولید نارضایتی از مکان زندگی آنها دارد. مدیریت منظر شهری با رویکرد علمی و به دور از سلیقه‌گرایی راهبرد مناسب برای تولید حس مشترک از شهر قم برای شهروندان آن است؛ ۳. مدیریت منظر شهری در مقیاس راهبردی منوط به شناخت، حفاظت و احیای سازمان فضایی شهر است. احیای مرکز شهر با رفع تعارض‌های مدیریت بخشی میان تولیت حرم و شهرداری، راهبرد اساسی این مقیاس است؛ ۴. تقویت پیوند اجتماعی شهروندان به واسطه فضاهای شهری، راهبرد کالبدی-اجتماعی است که ضمن تقویت همبستگی اجتماعی به ادراک هویت تاریخی از سوی شهروندان و رضایتمندی آنان منجر می‌شود؛ ۵. نوسازی بافت‌های تاریخی قم، علاوه بر آن که یک معضل اجتماعی و ملی است، فرصتی برای تقویت سازمان فضایی شهر از طریق احیای کل‌های کوچک و اصیل آن که محلات تاریخی شهر است، محسوب می‌شود؛ ۶. خیابان، گمشده شهرهای معاصر است. فضایی که حیات اجتماعی و پیوندهای مدنی شهری در آن زاده می‌شود و رشد می‌کند. در دستور کار شهرسازی نوین به ابزار دسترسی تقلیل یافته است. بازخوانی خیابان به‌مثابه فرصتی برای احیای زندگی اجتماعی و ارتقای رتبه وجودی آن از فضای تکساحتی به مکان چندبعدی، ضرورت توسعه شهری پایدار است.

سید امیر منصوری
دانشیار دانشگاه تهران
amansoor@ut.ac.ir

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
منصوری، سید امیر. (۱۴۰۴). مطالعات انتقادی در پژوهش کاربردی. مکتب *احیاء*، ۳(۹)، ۵-۷.

DOI: 10.22034/3.9.5
URL: http://jors-sj.com/article-1-109-fa.html

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]
[DOI: 10.22034/3.9.5]